

مطالعه جامعه‌شناختی نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی در شهر شیراز

احمد پالیزدان^۱، سعید معدنی^۲، ایرج ساعی ارسی^۳

چکیده

ایران هرساله با ورود موج گسترده‌ای از مهاجران افغانی جدید، به داخل کشور روبرو است. از آنجایی که نگرش ایرانیان، نسبت به این مهاجران، تعیین‌کننده نحوه تعامل و رفتار اجتماعی آنها، با این دسته از افراد است؛ بنابراین در این مقاله محققان از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، درصدد بررسی و پاسخ به این سؤال می‌باشند که آیا بین سطح سواد، قومیت، نوع مذهب (شیعه و سنی)، وضعیت اقتصادی، احساس امنیت و نگرش شهروندان شیرازی نسبت به مهاجران افغانی همبستگی معناداری وجود دارد؟ مقاله حاضر برگرفته از یک پژوهش است که با هدف بررسی مطالعه جامعه‌شناختی نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی در شهر شیراز انجام شده است. این تحقیق از نوع مطالعات توصیفی و همبستگی است. جامعه آماری تحقیق حاضر را تمامی شهروندان شهر شیراز به تعداد ۱۹۵۵۵۰ نفر در سال ۱۴۰۲ تشکیل داده‌اند. به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده تعداد ۳۴۸ نفر از شهروندان شهر شیراز با استفاده از فرمول کوکران به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این مطالعه پرسشنامه محقق ساخته ۲۶ سؤالی بود. برای تعیین پایایی این پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. آلفای کرونباخ ۰/۷۶ به دست آمد. نتایج حاصل از یافته‌های تجزیه و تحلیل شده آماری به‌وسیله نرم‌افزار SPSS حاکی از آن است که بین متغیرهای سطح سواد، قومیت، نوع مذهب (شیعه و سنی)، وضعیت اقتصادی و احساس امنیت و متغیر نگرش

^۱ دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
ahmad.palizdan90@gmail.com

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Maadani25@yahoo.com

^۳ استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران
saearasi@gmail.com

شهروندان شیرازی نسبت به مهاجران افغانی همبستگی معناداری وجود دارد. نتایج جدول رگرسیون نیز نشان‌دهنده بیشترین تأثیر مثبت متغیر قومیت و بیشترین تأثیر منفی متغیر وضعیت اقتصادی بر متغیر نگرش است. در این مقاله، نتایج مطالعه جامعه‌شناختی نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی در شهر شیراز، نشان داده است که سطح سواد، نوع قومیت، نوع مذهب، وضعیت اقتصادی و احساس امنیت شهروندان ایرانی بر نگرش مثبت یا منفی آنها نسبت به مهاجران افغانی تأثیرگذار است.

کلیدواژه‌ها: سطح سواد، قومیت، مذهب، وضعیت اقتصادی، امنیت

بیان مسئله

در دنیای امروز مهاجرت، به مسئله‌ای جهانی تبدیل شده است. این مسئله، نظر بیشتر جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی را به خود جلب نموده است. گستردگی مهاجرت و جهانی‌شدن آن تمام کشورها را با چالش مدیریت این پدیده جهانی روبرو ساخته است (زنجانی، ۱۳۹۲: ۲۳۴-۱). ورود و اقامت مهاجران در هر جامعه‌ای، فرصت‌ها و چالش‌هایی را توأمان به همراه دارد. سیاست‌گذاری‌های صحیح اجتماعی، عموماً در جست‌وجوی راه‌حلی برای کاهش چالش‌ها در مقابل بهره‌مندی از فرصت‌هایی است که به‌واسطه حضور مهاجران فراهم می‌شود. نگاهی به تجربه‌ی جوامع توسعه‌یافته‌ای که به‌عنوان کانون‌های اصلی مهاجرپذیری دنیا در دهه‌های اخیر بوده‌اند، مؤید همین رویکرد در سیاست‌های مهاجرتی این جوامع بوده است؛ یعنی تلاش برای کاهش چالش‌ها و بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از حضور مهاجران (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۰).

مهاجرت به‌خودی‌خود یک مسئله اجتماعی نیست. بلکه حتی کلیدی است، برای پاسخ به مسائل جمعیتی که علاوه بر سوق دادن نیروی کار اضافی و بیکار به‌سوی سرزمین‌های نیازمند، ساختار جمعیتی را متعادل می‌کند و موجبات جذب سرمایه و انتقال فناوری را به داخل کشور فراهم می‌کند. مهاجران واردشده به یک جامعه، یکی از گروه‌های اجتماعی مهمی به شمار می‌روند که درک تفاوت فرهنگی و اجتماعی آنها با جامعه میزبان، از دیدگاه کسب شناخت اجتماعی، موضوعی جذاب و از دیدگاه سیاست‌گذاری اجتماعی، موضوعی حائز اهمیت است. کشور ایران، یکی از مهم‌ترین کشورهای مهاجرپذیر دنیا محسوب می‌شود. مهاجران خارجی در ایران اغلب از

کشورهای همسایه مثل افغانستان هستند. این مهاجران بیشتر برای فرار از شرایط نامناسب اقتصادی و امنیتی کشور خود به ایران پناهنده شده‌اند (شاطریان و گنجی‌پور، ۱۳۹۰: ۸۳-۱۰۲). ابعاد اجتماعی و فرهنگی حضور مهاجران افغانستانی نیز در جامعه ایران، تاکنون موضوع پژوهش‌های مختلفی بوده است (بشیر و کشانی، ۱۳۹۸: ۳۰-۹؛ عباسی شوازی، صادقی و محمدی، ۱۳۹۵: ۴۱-۱۰)؛ اما در زمینه نحوه نگرش شهروندان نسبت به مهاجرین افغانی خلأ پژوهشی وجود دارد. طی چند دهه اخیر در ایران، نگرش‌های مثبت و منفی بسیاری از سوی شهروندان کشور ما برای پذیرش اجتماعی و اقامت مهاجرین خارجی از کشورهای همسایه وجود داشته است. در بررسی و تحلیل اجتماعی نگرش‌های شهروندان نسبت به مهاجران خارجی، از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، اندیشمندان و جامعه‌شناسان مختلفی، به نحوی به بررسی این مسئله اجتماعی پرداخته‌اند. بر همین اساس در این مقاله سعی بر آن شده است، مطالعه جامعه‌شناختی نگرش شهروندان شهر شیراز نسبت به مهاجران افغانستانی، مورد بررسی قرار داده شود.

در عصر جهانی‌شدن و دگرگونی‌های پرشتاب اجتماعی، مهاجرت‌های بین‌المللی، همراه با مزایای بی‌شمار و چالش‌های بغرنجی همچون؛ تفاوت زبانی، دینی و فرهنگی و تنش‌های سیاسی و اقتصادی می‌تواند، بیانگر نوع نگرش جوامع به صورت مثبت یا منفی، نسبت به مهاجران خارجی در هر کشوری باشد. گسترش مهاجرت در جهان امروز، مسائل اجتماعی و پیامدهای مثبت و منفی بسیاری را به همراه دارد. کشور ایران نیز تحت تأثیر این تبعات مثبت یا منفی مهاجران خارجی، قرار گرفته است. مسئله اجتماعی مهاجرت مردم کشور افغانستان به کشورهای مختلف دنیا، به‌ویژه به کشور ایران که یکی از انواع مهاجرت‌های بین‌المللی است، اخیراً جریانی صعودی پیدا کرده است. این نوع مهاجرت، از نظر عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی متعدد و از نظر مطالعات جامعه‌شناختی شهری، قابل توجه است (کشاوری قاسمی و نادرپور، ۱۳۹۷: ۲۹۰). طی چند دهه اخیر بر اثر حوادثی که در کشور افغانستان رخ داده، هزاران مهاجر افغانستانی وارد کشور ایران شده و در نقاط مختلف شهری و روستایی این کشور، سکنی گزیده‌اند. در طی این سال‌ها به تدریج دامنه مراودات مهاجران افغانی با ایرانیان بسیار گسترش یافته است (شاطریان، نظری و امام‌زاده علی، ۱۳۹۵: ۱۴۵). مهاجرت اتباع افغانی به کشور ایران، از گذشته تا کنون، به دلایل مختلفی، مثل مهاجرت‌های پراکنده فصلی، جهت کار و معیشت اقتصادی، بسیار انجام گرفته است؛ اما در سه دهه اخیر، علاوه بر مهاجرت‌های

مستمر اقتصادی افغانی‌ها به این کشور، ایران با سه موج بزرگ مهاجران سیاسی افغانی به این کشور روبرو بوده است. اولین موج پس از تجاوز شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۵، دومین موج بعد از جنگ داخلی بین گروه‌های مختلف مجاهدین در فاصله سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۵ و سومین موج پس از پیدایش طالبان در ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱. در موج اول، ۴۰ درصد و در موج دوم و سوم ۳۶ درصد از مهاجران افغانی به ایران مهاجرت کردند. بیشترین مهاجرین خارجی ساکن ایران، افغانستانی هستند. ایران پس از، پاکستان دومین کشوری است که پذیرای این مهاجران و پناهندگان است. بدین ترتیب این سابقه سه دهه‌ای، می‌تواند دلایل محکمی برای مهاجرت افغانی‌ها به ایران باشد. (شاطریان و گنجی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۰۲-۸۳). از آنجایی که ورود مهاجران خارجی به هر کشوری، می‌تواند تأثیرات مثبت یا منفی فراوانی از نظر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در کشور میزبان داشته باشد. لذا بررسی نوع نگرش شهروندان یک جامعه نسبت به مهاجران خارجی، در راستای اینکه بدانیم چرا بعضی از شهروندان جوامع، مهاجران خارجی را می‌پذیرند و برخی دیگر، از پذیرش اتباع خارجی به داخل کشورشان سرباز می‌زنند، از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، مفید خواهد بود.

در کشور ما، استان فارس، به‌ویژه شهر شیراز امروزه، یکی از کانون‌های جذب مهاجرین داخلی و خارجی، است. در این سه دهه اخیر، شهر شیراز از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، به‌عنوان یکی از شهرهای مهاجرپذیر در ایران، به این دلیل که از امن‌ترین شهرهای ایران است و شرایط خوبی نسبت به سایر شهرهای دیگر برای کسب‌وکار دارد، تبدیل به یکی از مراکز مهم جذب توریست شده است. چنانکه بر اساس گزارش‌ها بیشتر از ۵۰۰ هزار نفر تبعه افغانی در شهر شیراز به‌صورت مجاز و غیرمجاز زندگی می‌کنند. این حجم از جمعیت مهاجرین افغانی در شهر شیراز مسائل و پیامدهای اجتماعی متفاوتی را از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، در بر دارد که نیازمند تحقیق و بررسی است. حضور سه دهه‌ای مهاجرین افغانی کارکردهای مثبت و منفی بسیاری در شهر شیراز داشته است. برای مثال، با توجه به شرایط و تنگناهای اقتصادی در کشور و نرخ بالای بیکاری، جمعیت بزرگی از مهاجرین افغانی، بسیاری از فرصت‌های شغلی را در این شهر، اشغال کرده‌اند و این مسئله خود از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، موجب نارضایتی سیل عظیمی از مردم شیراز شده است. از طرفی، عدم پرداخت مالیات، از سوی مهاجرین افغانی، مسائلی را برای دولت ایجاد کرده است. همچنین

شرایط نامناسب اقتصادی بعضی از این مهاجرین افغانی، آنها را به سمت مسائلی مانند بزهکاری، جرم و جنایت، سرقت، قتل، تجاوز، زورگیری و اقدامات مسلحانه کشانده است. ازلحاظ تأثیر مسائل اجتماعی، فرهنگی و مذهبی نیز، جامعه ما با این مهاجرین تفاوت‌های زیادی دارند که از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، گاهی باعث ایجاد تقابل شهروندان ایرانی با مهاجران افغانی می‌شود. در بعد مسئله جمعیتی نیز خانواده‌های مهاجران افغانی دارای روند صعودی فرزند آوری هستند که این خود با گذشت زمان منجر به برهم خوردن تعادل جمعیتی در کشور ما می‌شود. مسئله دیگر اینکه، کشور افغانستان به سبب نداشتن ثبات سیاسی، اخیراً به بزرگ‌ترین پایگاه تروریست‌های جهان تبدیل شده است که این مسئله، خود از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، می‌تواند باعث ایجاد مسائل و نگرانی‌هایی در حوزه امنیتی نسبت به مهاجران افغانی در ایران شود. تمامی این مسائل از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، خود می‌توانند نوعی بدبینی را نسبت به مهاجران افغانی در شهروندان شیرازی ایجاد کنند. لذا شناخت و بررسی این مسائل اجتماعی، علاوه بر اینکه بیانگر تأثیرات مثبت یا منفی اقامت مهاجران افغانی، در کشور ایران است، نوع نگرش شهروندان ایرانی را نسبت به مهاجرین افغانی از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، مشخص می‌کند. در میان مسائل مختلف اجتماعی مربوط به مهاجرت افغانی‌ها در ایران، شناخت نحوه نگرش^۱ شهروندان ایرانی، نسبت به مهاجران افغانی نیز دارای اهمیت است (کشاوری، قاسمی و نادرپور، ۱۳۹۷: ۲۹۰). نگرش مجموعه‌ای نسبتاً پایدار از احساسات، باورها و آمادگی‌های رفتاری اشخاص و اندیشه‌های آنان نسبت به یک شخص، شیء یا یک موضوع اجتماعی است که رفتار انسان‌ها را هدایت می‌کند (وٹوقی و محسنی، ۱۳۹۵: ۵). از آنجایی که نگرش ما نسبت به دیگران، همواره تا حد زیادی تعیین‌کننده رفتار و برخورد ما با آنها است، لذا زمانی که قصد بررسی مسائل مربوط به مهاجران افغانی را داشته باشیم، سنجش و ارزیابی نگرش مردم کشورمان نسبت به مهاجران افغانی از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، دارای اهمیت می‌گردد (شاطریان، نظری و امامزاده علی، ۱۳۹۵: ۱۴۵)؛ بنابراین انجام این مطالعه، اهمیت و ضرورت برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تجزیه و تحلیل از پیش اندیشیده شده‌ای را برای پیشگیری از تأثیرات این مهاجرت‌ها، هم در سطح

¹ Attitude

منطقه‌ای و هم در سطح کشوری، از نظر مسائل اجتماعی مربوط به مطالعات جامعه‌شناختی شهری مشخص می‌کند (شاطریان و گنجی‌پور، ۱۳۹۰: ۸۵). از آنجایی که نگرش عمومی هر شهروندی از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، در داخل کشور خودش، نسبت به مهاجران خارجی، متأثر از مسائل اجتماعی و پیامدهایی است که مهاجران در جامعه میزبان ایجاد نموده‌اند؛ بنابراین با توجه به کمبود تحقیقات انجام شده در این زمینه، انجام مطالعات جامعه‌شناختی نگرش شهروندان شیرازی نسبت به مهاجران افغانستانی در داخل کشور ایران می‌تواند، نحوه نگرش و ارتباط شهروندان ایرانی را نسبت به مهاجران افغانی مشخص نماید. براین اساس می‌توان گفت که ضرورت انجام تحقیق در زمینه نگرش ایرانیان نسبت به مهاجران افغانستانی، از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، تعیین‌کننده مسائل اجتماعی مانند؛ نحوه تعامل و رفتار شهروندان ایرانی با این دسته از افراد یعنی مهاجران افغانی خواهد بود. انجام این مطالعه می‌تواند برای جامعه شناسان و سازمان‌های مهاجرتی در کشور ایران دارای اهمیت و تلویحات کاربردی فراوانی داشته باشد. لذا با توجه به مطالب ذکر شده، مطالعه‌ی حاضر، با هدف شناخت، تحلیل و طبقه‌بندی مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش مثبت و منفی شهروندان شیرازی نسبت به مهاجران افغانستانی، درصدد بررسی جامعه‌شناختی نحوی نگرش شهروندان ایرانی، در شهر شیراز نسبت به مهاجران افغانستانی است.

ادبیات پژوهش

مهاجرت در گذشته امری بسیار رایج اما با امروز متفاوت بوده است. پیش از عصر مدرن مرزهای دقیقی بین کشورها وجود نداشته است. نوشته‌های ثبت شده فراوانی از مهاجرت‌های هنرمندان، دانشمندان و عالمان دینی در تاریخ کشور ایران مؤید بر این نظرات می‌باشند. امروزه اما مرزهای بین کشورها بسیار مشخص می‌باشند. به نظر می‌رسد که با موج جدیدی از مهاجرت‌های اجباری در سطح بین‌المللی به‌ویژه بعد از سال ۲۰۱۱، نگرش ملت‌ها و دولت‌ها نسبت به مهاجرین خارجی دستخوش تغییرات بسیاری شده است. مسئله نگرش شهروندان نسبت به مهاجران و اهمیت بسیار بالای آن از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، در شکل دادن به رفتار و زندگی اجتماعی افراد با دیگران واقعی‌ترین کتمان ناپذیر است. آگاه بودن از نگرش‌های افراد نسبت به مهاجران می‌تواند دارای اهمیت زیادی باشد. مهم‌ترین عامل در نگرش و رفتار فرد مجموعه

تجارب وی در حافظه‌اش است که منتهی به شکل گرفتن مفاهیم در ذهن می‌شود. دانش موجود در ذهن هر فرد که او را در موقعیت‌های مختلف آماده واکنش می‌سازد، نتیجه تجربیات و تعاملات اجتماعی فرد است (نیشیدا، ۱۹۹۹: ۷۵۳-۷۷۷)، به تعبیر نیشیدا (۱۹۹۹: ۷۵۳-۷۷۷)، نگرش در ارتباطات اجتماعی چهره به چهره، چارچوب معرفتی و شناختی دارد. وقتی ما با افراد مختلف از فرهنگ‌های دیگر و در وضعیتی معلوم به دفعات زیادی تعامل داشته باشیم و در مورد اطلاعات معلوم با هم صحبت کنیم، کلیشه‌هایی در مغز ما ساخته و ذخیره می‌شوند. هر چه این کلیشه‌ها بیشتر ساخته شوند، انتزاعی‌تر و به هم نزدیک‌تر خواهند شد. لذا هر چه تجربه‌ها مستقیم‌تر باشند، اطلاعات مربوط به این کلیشه‌ها بیشتر می‌شود و بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد که در ارتباط میان قومیت‌ها و ملت‌ها، کارکرد کلیشه‌ها به وجود آمدن مفاهیم «من» و «دیگری» است (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۹۲: ۲۳۵-۲۳۶).

مطالعات جامعه‌شناختی، نشان داده‌اند که مهاجرت‌های بین‌المللی دارای مسائل، بازتاب‌ها و پیامدهای اجتماعی مختلفی می‌باشند (زرقانی و موسوی ۱۳۹۱: ۸). مهاجرت همان‌طور که نحوه‌ی زندگی مهاجران را تغییر می‌دهد، الگوهای اشتغال و فعالیت آنان را نیز دگرگون می‌کند. مهاجران در کشور میزبان، دستمزدهای کمتری می‌گیرند، ساعات بیشتری کار می‌کنند و تلاش می‌کنند با انجام کارهای سخت، درآمد بیشتری را کسب کنند و قسمت اعظم آن را نیز پس‌انداز کرده یا به کشور خود ارسال کنند (زنجانی، ۱۳۹۵: ۱۸۷) از جمله پیامدهای جامعه‌شناختی مهاجرت را می‌توان کاهش فرصت‌های شغلی، افزایش نرخ بیکاری، کمبود مسکن و افزایش نرخ اجاره‌بهای مسکن در بسیاری از نقاط شهری و ... دانست. حضور اتباع بیگانه نیز در داخل کشور میزبان دارای پیامدها و بازتاب‌های مختلف، زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی نیز است.

یکی از ویژگی‌های بارز بسیاری از جوامع در سرتاسر جهان، قومیت است. تعداد اندکی از جوامع وجود دارند که به لحاظ قومی کاملاً متجانس باشند. از این‌رو، قومیت از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، یکی از حوزه‌هایی است که جامعه‌شناسان مطالعات خود را در آن سازماندهی کرده‌اند. مهاجرین با کوله باری از رفتارهای قومی و ملی خویش بار سفر را می‌بندند و سرزمین خود را ترک می‌کنند و وارد کشوری می‌شوند که مردم آن کشور برای خودشان، آداب و رسوم بخصوصی دارند و از شخصی که وارد

کشورشان می‌شود انتظار دارند که خودش را با آن‌ها هماهنگ و سازگار نماید. رابطه آزاد و طبیعی دو اقوام با هم که در آن جزئی از فرهنگ یک قوم بدون هیچ نوع اجبار و الزامی به قوم دیگر انتقال پیدا می‌کند، برخورد فرهنگی نامیده می‌شود که سبب دگرگونی‌های عمیق فرهنگی و اجتماعی فرد می‌شود. مهاجرت‌ها بستر لازم را برای تغییرات فرهنگی - اجتماعی و حتی سلسله‌مراتب ارزش‌ها ایجاد می‌کنند که در نتیجه آن تغییرات در آداب و رسوم فرهنگی، اجتماعی و همچنین ناهمگونی در هنجارهای فرهنگی، اجتماعی را برای مهاجران به همراه دارد. مهاجرت از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، تأثیر بسیاری بر باورهای افراد دارد. عقاید دینی و مذهبی یکی دیگر از این باورها می‌باشند. مهاجرت بر دین‌داری و مذهب افراد از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، تأثیر فراوانی دارد. البته، سلسله‌مراتب ارزشی فرد می‌تواند تأثیر فراوانی در اولویت دادن به مسائل دینی و مذهبی یا کم‌اهمیت شمردن آنها داشته باشد (محرابی شاتوری، ۱۳۹۳: ۶۷). یکی دیگر از مباحث مهم در مورد حضور اتباع بیگانه در داخل هر کشور، موضوع امنیت و پیامدها و بازتاب‌های اجتماعی آن است. با توجه به ضرورت تأمین و حفظ امنیت در ابعاد داخلی و خارجی، همیشه یکی از اولویت‌های دولت‌ها در سیاست‌های داخلی و خارجی توجه به این موضوع بوده است. چرا که مهاجران در طی سال‌های اقامت خود در کشور میزبان، تأثیرات مثبت و منفی فراوانی از بعد امنیتی بر جای می‌گذارند. لذا ضرورت دارد این بازتاب‌ها و تأثیرات اجتماعی، از نظر مطالعات جامعه‌شناختی شهری، مورد سنجش قرار گیرد (عزیزی، ۱۳۹۷: ۱۷۱-۱۹۰).

کشور ما نیز، مهاجرین خارجی زیادی را در خود جای داده است؛ که عمده‌ترین این مهاجران خارجی، افغانی‌ها می‌باشند. حضور این مهاجران افغانی پیامدهایی را از نظر مطالعات جامعه‌شناختی شهری، بر جای گذاشته است و در طی سال‌های اقامت آنها، تأثیرات مثبت و منفی فراوانی بر جای گذاشته‌اند؛ که ضرورت دارد این بازتاب‌ها و تأثیرات مورد بررسی و تأثیرات آن بر امنیت ملی از نظر مطالعات جامعه‌شناختی شهری، مورد سنجش قرار گیرد (عزیزی، ۱۳۹۷: ۱۷۱-۱۹۰). تحقیقات متعددی بر نگرش مثبت یا منفی جامعه ایران، نسبت مهاجران خارجی به‌ویژه اتباع افغانستانی ساکن در ایران از نظر مطالعات جامعه‌شناختی شهری، اشاره داشته‌اند. اگرچه جامعه مهاجران افغانستانی از منظر زبانی، مذهبی، ویژگی‌های ظاهری و فرهنگی بیشترین میزان قربت با جامعه میزبان (ایران) را دارند؛ اما تحقیقات متعددی بر تعارض و تنش‌های پیدا و پنهان در زیست

روزمه این دو گروه اشاره دارند که نشان از نگرش منفی شهروندان ایرانی نسبت به مهاجران افغانی و پایین بودن «سطح پذیرش فرهنگی- اجتماعی مهاجران در ایران» است. (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۸-۱۵۰). مهم این است که با وجود تعداد زیاد مهاجران خارجی از کشورهای همسایه به‌ویژه از کشور افغانستان و مدت زمان طولانی اقامت آنها در ایران، شهروندان ایرانی تا چه اندازه پذیرای این مهاجرین هستند و از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، چه نگرشی شهروندان ایرانی نسبت به مهاجرین افغانی دارند (وثوقی و محسنی، ۱۳۹۵: ۵).

مبانی نظری پژوهش

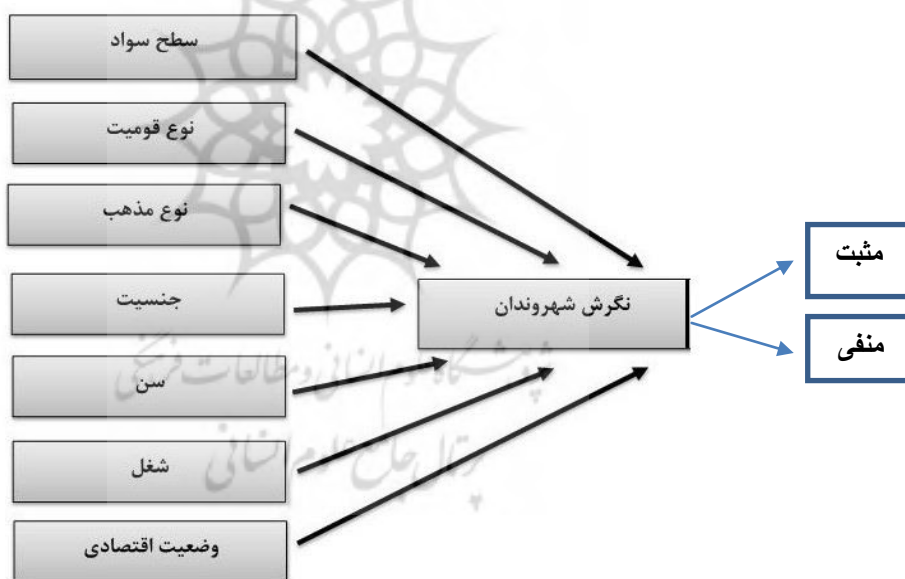
نظریات مطرح شده در خصوص نگرش شهروندان نسبت به مهاجرت

۱- نظریات کلاسیک (دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰): این نظریات به‌طور کلی مهاجرت را موجی برای تحرک اجتماعی و اقتصادی و نتیجه آن را در کشور مقصد، جذب یا حل مهاجر در نظام ارزشی مسلط می‌دانند (ایراندوست و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰۹). این دیدگاه از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، بر تبیین دلایل و پیامدهای اجتماعی مهاجرت استوار است و بیشتر ناشی از عدم تعادل اقتصادی و اجتماعی موجود بین مناطق مختلف است و هر گونه تغییری که در جامعه روی می‌دهد در جهت ایجاد تعادل و هماهنگی است. نکته مهم این دسته نظریات از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، این است که به کارکردهای مثبت مهاجرت به لحاظ جامعه‌شناختی شهری توجه دارند (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۹۲: ۲۳۵-۲۳۶).

۲- نظریه مکتب تضاد (دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰): این نظریه نگرشی منفی نسبت به مهاجرت دارد. از نظر مطالعه جامعه‌شناختی، پیروان این نظریه، مهاجرت را حاصل ساختارهای نابرابر اجتماعی در نظام بین‌الملل می‌دانند که منجر به انتقال سرمایه انسانی و اجتماعی از کشورهای در حال توسعه به کشورهای پیشرفته و در نتیجه تشدید وابستگی می‌گردد. برتری این نظریات اجتماعی، از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، توجه به آسیب‌های مهاجرت از جمله به وجود آمدن تبعیض و نابرابری در دو جامعه مبدأ و مقصد است. ایراد وارده بر این نظریات از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، این است که نقش کارگزار را نادیده و نقش ساختاری را برجسته می‌نمایند (وثوقی و حجتی، ۱۳۹۱: ۲۷-۲۸).

۴- **نظریات سیستمی:** این نظریات از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، مهاجرت را به‌منظور تطابق با تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه در نظر می‌گیرند. مهاجرت از چشم‌انداز نظریات سیستمی علی چندگانه دارد و در راستای پخش، سازگاری و انطباق است و نتیجه آن در مقصد انطباق چند فرهنگ است (ایراندوست و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰۹).

۵- **نظریه تهدید گروهی:** این نظریه نحوه ایجاد نگرش‌های منفی را نسبت به مهاجرت توصیف می‌کند. بر اساس این نظریه، تهدیدات ناشی از ورود مهاجران و شرایط بد اقتصادی، تعیین‌کننده‌های اصلی نگرش منفی نسبت به مهاجرت را تشکیل می‌دهند (میولمان و همکاران، ۲۰۰۹). دو نوع تهدید شکل‌گیری نگرش منفی را توصیف می‌کند: نمادین و واقع‌بینانه. در زمینه مهاجرت، این تهدیدها به رقابت در بازار کار، نگرانی‌های بهداشت عمومی ناشی از بیماری‌های احتمالی، افزایش جرم و جنایت و رفاه جسمی و همچنین افزایش بار مالی مربوط می‌شوند (هانسون، اسچیو و اسلاگوتر^۱، ۲۰۰۷: ۱-۳۳).



مدل نظری تحقیق

پیشینه‌های پژوهش

شیرزاد و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «نگرش شهروندان استان گیلان بر مهاجرت افراد غیربومی و پیامدهای امنیتی و اجتماعی آن» به این نتایج دست یافتند که از

¹ Hanson, Scheve & Slaughter

بین چهار نگرش اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و سیاسی، نگرش اقتصادی و پس از آن نگرش اجتماعی بالاترین اثر را در پیامدهای امنیتی و اجتماعی داشته‌اند. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که نگرش مردم این استان، نسبت به مهاجرت افراد غیربومی به این استان مثبت ارزیابی نمی‌شود.

کشاوری، قاسمی و نادریور (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان «تبیین پیامدهای مهاجرت اتباع کشور افغانستان بر جامعه ایران (مطالعه موردی شهر قزوین)» انجام داده‌اند. هدف از انجام این پژوهش، بیان تبعات مهاجرت اتباع افغانی از طریق ارزیابی نگرش شهروندان قزوینی نسبت به مهاجران افغانی با استفاده از روش تحلیل عاملی و طیف بوگاردوس بود. نتایج از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، حاکی از آن بود که شهروندان قزوینی با ۷۷/۶۶ درصد میانگین پاسخ‌های منفی، نگرش مطلوبی نسبت به مهاجرین افغانی نداشتند.

این نتایج نشان‌دهنده فاصله اجتماعی زیاد میان مهاجران افغانی و مردم شهر قزوین بود. وثوقی و محسنی (۱۳۹۵)، نیز پژوهشی با عنوان «بررسی نگرش شهروندان شهر مشهد نسبت به مهاجرین خارجی مقیم مشهد» انجام دادند. این پژوهش به‌طور گسترده در پی ارزیابی نگرش شهروندان شهر مشهد به‌مثابه یک مرکز مهم جذب مهاجرین خارجی و ارتباط این نگرش با متغیرهایی مانند جنسیت، سواد، درآمد، نوع شغل، محل سکونت و قومیت است. نتایج به‌دست‌آمده، از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، نشان می‌دهد بیشترین نگرش منفی شهروندان مربوط به آسیب‌های اجتماعی است. از نظر پاسخ‌گویان تأثیر مهاجرین در امر آموزش نیز چندان مثبت نیست. نتایج حاکی از آن بود که در شهروندان مشهدی متغیرهای؛ جنسیت، سن، شغل، منطقه سکونت دارای رابطه معنی‌داری با میزان نگرش آنها نسبت به مهاجرین خارجی است. وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، درآمد، نوع مذهب و نوع قومیت شهروندان مشهدی با میزان نگرش آنها نسبت به مهاجرین خارجی رابطه معنی‌داری نداشت.

شاطریان و همکاران (۱۳۹۵)، پژوهشی با عنوان بررسی رابطه ارزش‌های فرهنگی و نگرش نسبت به مهاجران افغانستانی (مورد مطالعه: شهروندان هجده سال و بالاتر شهر کاشان) انجام دادند. یافته‌ها از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، حاکی از آن بود که بین ارزش‌های فرهنگی مردانگی / زنانگی، ابهام‌گریزی و فاصله قدرت با نگرش نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. لذا می‌توان گفت با افزایش میزان ارزش‌های فرهنگی، فاصله قدرت و ابهام‌گریزی، نگرش به مهاجران منفی‌تر می‌شود.

در راستای موضوع تحقیق شاطریان و همکاران (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان مطالعه و بررسی نگرش مردم شهر آران و بیدگل نسبت به مهاجران افغانی ساکن در بافت‌های فرسوده، انجام دادند. یافته‌های تحقیق از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، نشان داد، با اینکه، نوعی پیش‌داوری منفی از سوی جامعه مورد مطالعه، نسبت به مهاجران خارجی، به‌خصوص مهاجران افغانی ساکن در قسمت‌های فرسوده شهر آران و بیدگل وجود داشت؛ اما سطح نگرش منفی شهروندان کمتر از حد متوسط نشان داده شد. همچنین، نتایج رابطه معناداری را بین درآمد خانوارها و سطح نگرش منفی آنها نسبت به مهاجران افغانی ساکن در قسمت فرسوده شهر آران و بیدگل را نشان دادند. کورول و همکاران^۱ (۲۰۲۲)، نیز در پژوهشی به بررسی تأثیر رفاه ذهنی جوانان بومی بر نگرش طرد کننده نسبت به مهاجران پرداختند و به دنبال درک رابطه بین رفاه ذهنی، بی‌اعتمادی سیاسی و نگرش‌های ضد مهاجر در طول زمان بودند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که بهزیستی ذهنی افزایش نگرش ضد مهاجر را در بین جوانان بومی پیش‌بینی نمی‌کند؛ اما نگرش‌های ضد مهاجر تأثیر معناداری بر بهزیستی ذهنی داشتند.

میتچل^۲ (۲۰۲۱)، پژوهشی با عنوان «اعتماد اجتماعی و نگرش‌های ضد مهاجرت در اروپا: تجزیه و تحلیل چند سطحی طولی»، انجام دادند. نتایج حاصل به لحاظ مطالعه جامعه‌شناختی، نشان می‌دهد که کشورهای دارای سطح بالاتری از اعتماد اجتماعی نگرش‌های مطلوب‌تری از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، نسبت به مهاجران دارند و درحالی‌که تغییرات در اعتماد اجتماعی در گذر زمان اندک است، اما تغییرات قابل توجهی در نگرش‌های ضد مهاجرت ایجاد می‌کند.

لینو و هایمرلوس^۳ (۲۰۲۰)، به این پرداخته‌اند که چگونه نگرش نسبت به مهاجران در بافت‌های محله‌ای مختلف، متفاوت است. بر اساس نتایج آنها، اگرچه تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی در میان محله‌هایی با سهم زیادی از مهاجران، در مقایسه با محله‌هایی متفاوت است که مهاجران کمتری دارند، زمانی که ویژگی‌ها و دیگر متغیرهای زمینه‌ای در نظر گرفته می‌شوند، این رابطه ناپدید می‌شود.

^۱ Korol, Fietzer, Bevelander & Pasichnyk

^۲ Mitchell

^۳ Leino & Himmelroos

ورکوتن و همکاران^۱ (۲۰۱۷)، پژوهشی با عنوان «نگرش‌های عمومی نسبت به حمایت از مهاجران: اهمیت مهاجرت داوطلبانه و غیرارادی» انجام دادند. نتایج از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، نشان داد که موافقت قوی‌تر با داوطلبانه بودن مهاجرت با حمایت سیاست کمتر همراه است، درحالی‌که توافق با مهاجرت غیرارادی به‌طور مستقل با حمایت بیشتر همراه بود. در این مطالعه میزان حمایت به‌عنوان نتیجه احساس همدلی و عصبانیت مورد بررسی قرار گرفت. ناخواسته بودن مهاجرت نیز باعث ایجاد احساس همدلی و در نتیجه حمایت بیشتر از تازه‌واردان شد. در مقابل، داوطلبانه بودن احساس خشم شدیدتر و در نتیجه حمایت کمتر را برانگیخت.

هاینومولر و هاپکینز^۲ (۲۰۱۴) پژوهشی با عنوان «نگرش عمومی نسبت به مهاجرت» انجام داده‌اند. نتیجه‌گیری‌هایی به‌دست‌آمده از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، نشان داده است که به‌طور مداوم، نگرش‌های مهاجرت شواهد کمی مبنی بر ارتباط شدید با شرایط اقتصادی شخصی نشان می‌دهد. همچنین نگرش‌های مهاجرت به دلیل نگرانی‌های اجتماعی نژادی در مورد تأثیرات فرهنگی و قومی آن و تا حدودی تأثیرات اقتصادی آن بر کل کشور، شکل می‌گیرد.

پاس و هالپو^۳ (۲۰۱۲)، در پژوهشی که درباره چگونگی نگرش شهروندان اروپایی نسبت به مهاجرین خارجی در ۲۲ کشور اروپایی انجام دادند. نتایج پژوهش آنها از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، بیانگر این بود که؛ نگرش شهروندان اروپایی نسبت به مهاجرین، ارتباط معناداری با ۱- ویژگی‌های شخصیتی آنها، ۲- ویژگی‌های کشورشان، ۳- نگرش شهروندان اروپایی نسبت به مؤسسات آن کشور، ۴- امنیت اقتصادی و اجتماعی آن کشور اروپایی دارد.

تحقیقات و پیشینه‌های پژوهشی محدود انجام شده پیرامون موضوع تحقیق، بیانگر نگرش مثبت و یا منفی شهروندان در هر کشوری نسبت به مهاجرین خارجی از نظر سطح سواد، اجتماعی، فرهنگ، شرایط اقتصادی، قومیت، مذهب و غیره می‌باشند. نتایج این تحقیقات بیانگر تأثیرات مثبت و یا منفی فرهنگی و اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، مذهبی و امنیتی مهاجران بر کشور مبدأ از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، هستند.

¹ Verkuyten & ect al

² Hainmueller & Hopkins

³ Paas & Halapuu

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیر تحقیق

تعریف مفهومی نگرش: نگرش نوعی حالت آمادگی ذهنی است که از طریق تجربه، سازماندهی شده است و تأثیر پویا و جهت‌داری بر روی پاسخ‌های افراد نسبت به دیگران، تمامی اشیا و موقعیت‌هایی که به آنها مربوط می‌شود دارد (فتیحی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۸-۱۶۷). نگرش مجموعه نسبتاً پایداری از احساسات، باورها و آمادگی‌های رفتاری اشخاص، اندیشه‌ها و گروه‌ها از شیء یا یک موضوع اجتماعی است و یک تمایل به پاسخ در برابر آن شیء یا موضوع اجتماعی است (وثوقی و محسنی، ۱۳۹۵: ۵).

تعریف عملیاتی نگرش: منظور از نگرش در این تحقیق، میزان نمراتی است که پاسخ‌گویان در پرسشنامه محقق ساخته از پاسخ دادن به سؤالات مربوط به نگرش به خود نسبت به مهاجرین افغانی (در بررسی تأثیر سطح سواد، نوع قومیت، نوع مذهب، وضعیت اقتصادی و احساس امنیت شهروندان)، از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری، اختصاص می‌دهند.

هدف اصلی تحقیق

هدف از انجام این پژوهش شناخت، تحلیل و طبقه‌بندی مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش شهروندان شیرازی نسبت به مهاجران افغانستانی، از نظر مطالعه جامعه‌شناختی شهری است.

فرضیات تحقیق

- ۱- سطح سواد شهروندان بر نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی اثرگذار است.
- ۲- نوع قومیت شهروندان بر نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی اثرگذار است.
- ۳- نوع مذهب (شیعه و سنی) شهروندان بر نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی اثرگذار است.
- ۴- وضعیت اقتصادی بر نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانی اثرگذار است.
- ۵- احساس امنیت بر نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانی اثرگذار است.

روش تحقیق

مطالعه حاضر با توجه به هدف، کاربردی و از نوع تحقیقات توصیفی و همبستگی و از شاخه پژوهش‌های میدانی است. جامعه آماری در مطالعه حاضر شهروندان بالای ۱۸ سال

ساکن شهر شیراز در سال ۱۴۰۲ که به تعداد ۱۹۵۵۵۰۰ نفر بودند. حجم نمونه در این مطالعه ۳۴۸ نفر از شهروندان شهر شیراز بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شدند. در این مطالعه نگرش شهروندان شیرازی به‌صورت مثبت یا منفی نسبت به مهاجرین افغانی، متغیر وابسته است و سطح سواد شهروندان، نوع قومیت شهروندان، نوع مذهب شهروندان و وضعیت اقتصادی و احساس امنیت متغیرهای مستقل هستند.

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها؛ محققان در این مطالعه به روش توصیفی و استنباطی به تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده پرداخته‌اند. مشخصه‌های آماری نظیر فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار، نشان‌دهنده آمار توصیفی در این تحقیق است. آزمون به کارگرفته شده، جهت نشان دادن نرمال بودن متغیرها، آزمون کلموگروف اسمیرنوف بود. تجزیه و تحلیل داده‌های انجام‌گرفته به‌وسیله نرم‌افزار SPSS با استفاده از روش آماری آزمون همبستگی اسپیرمن و رگرسیون چند متغیره نشان‌دهنده آمار استنباطی این مطالعه است.

ابزار تحقیق

در پیمایش این تحقیق جهت جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. ابزار مورد استفاده در این تحقیق پرسشنامه محقق ساخته ۲۶ سؤالی است که به‌منظور طراحی سؤالات این پرسشنامه محقق ساخته، طی ۱ ماه مصاحبه و گفتگوهای پیرامون روابط و نحوه نگرش شهروندان ایرانی نسبت به مهاجران افغانی (در بررسی تأثیر سطح سواد، نوع قومیت، نوع مذهب، وضعیت اقتصادی و احساس امنیت شهروندان)، به لحاظ مطالعه جامعه‌شناختی شهری در شهر شیراز انجام شد. همچنین از مقالات و پژوهش‌های انجام‌گرفته توسط خبرگان دانشگاهی که به بررسی مهاجران افغانی در سال‌های اخیر به ایران انجام داده‌اند نیز به‌منظور تهیه پرسشنامه بهره گرفته شده است. در این تحقیق به‌منظور تعیین پایایی پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. آلفای کرونباخ در اینجا ۰/۷۶ به دست آمد که از قابلیت اعتبار برخوردار است. برای بررسی روایی پرسشنامه از روایی محتوا استفاده شد که نظر صاحب‌نظران^۱ در مورد ابزار طراحی شده جمع‌آوری شد. نتایج حاکی از تأیید روایی محتوا، جنبه‌های

¹Authority

مختلف پرسش‌نامه‌ها از سوی متخصصان این حوزه بود. سپس پرسشنامه محقق ساخته متشکل از دو بخش مشخصات بیوگرافی و عوامی تأثیرگذار ۲۶ سؤالی تنظیم و در اختیار جامعه آماری قرار داده شد و پس از تکمیل، تمامی پرسش‌نامه‌های مذکور جهت انجام تجزیه و تحلیل مورد نیاز جمع‌آوری گردید.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

جدول توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان

نوع مذهب	فراوانی	درصد
شیعه	۲۵۱	۶۵.۴
سنی	۹۴	۲۴.۵
سایر مذاهب	۳۹	۱۰.۲
جمع کل	۳۸۴	۱۰۰

وضعیت جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۲۲۱	۵۷.۶
زن	۱۶۳	۴۲.۴
جمع کل	۳۸۴	۱۰۰

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
بی‌سواد	۱۴	۳.۶
ابتدایی	۳۶	۹.۴
سیکل	۵۱	۱۳.۳
دیپلم	۵۶	۱۴.۶
فوق دیپلم	۴۷	۱۲.۲
لیسانس	۹۸	۲۵.۵
ارشد و بالاتر	۸۲	۲۱.۴
جمع کل	۳۸۴	۱۰۰

احساس امنیت	فراوانی	درصد
کم	۹۸	۲۵.۵
متوسط	۱۸۰	۴۶.۹

زیاد	۱۰۶	۲۷.۶
جمع کل	۳۸۴	۱۰۰

وضعیت اشتغال		فراوانی	درصد
شاغل		۲۷۱	۷۰.۶
غیر شاغل		۱۱۳	۲۹.۴
جمع کل		۳۸۴	۱۰۰

جدول فوق توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان را بر حسب جنسیت، سطح تحصیلات، احساس امنیت، نوع مذهب و وضعیت اشتغال آنان نشان می‌دهد.

آمار توصیفی متغیرهای کمی مورد مطالعه

متغیر	میانگین	میان	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
نگرش	۳/۱۹	۳/۲۷	۰/۶۹	-۰/۱۸	۰/۵۷

با توجه به نتایج جدول آمار توصیفی متغیرهای کمی مورد مطالعه؛ مقدار میانگین متغیر نگرش برابر با ۳/۱۹ است که کمترین مقدار میانگین در میان متغیرهای مورد مطالعه را دارد. مقدار میانه برای همین متغیر با مقدار ۳/۲۷ محاسبه گردیده شده است. انحراف معیار نیز برای متغیرهای مورد مطالعه محاسبه شده است. متغیر نگرش با انحراف معیار ۰/۶۹ دارای کمترین انحراف معیار یا به عبارتی پراکندگی داده‌ها نسبت به میانگین دیگر متغیرهای مورد مطالعه است. در ادامه نیز مقدار چولگی و کشیدگی برای متغیرهای مورد مطالعه آورده شده است. نتایج حاکی از آن است؛ متغیرهایی که مقدار چولگی و کشیدگی آنها مثبت است، چولگی و کشیدگی به سمت راست دارند و متغیرهایی که مقدار چولگی آنها، منفی است چولگی به سمت چپ دارند.

یافته‌های استنباطی

آزمون نرمال بودن داده‌های متغیرهای موجود

متغیرها	کولموگوروف-اسمیرنوف	Sig	وضعیت
نگرش	۰/۰۹۰	۰/۲۰۰	نرمال است

با توجه به نتایج جدول آزمون نرمال بودن داده‌های متغیرهای موجود؛ مقادیر آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف و مقدار sig برای متغیر مورد مطالعه و فرضیه‌های تحقیق آورده شده است. چنانچه مشاهده می‌شود برای متغیر مورد مطالعه مقدار sig بیشتر از ۰/۰۵ است و فرضیه نرمال بودن داده‌های متغیر پژوهش رد نمی‌شود.

فرضیه ۱- سطح سواد شهروندان بر نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی اثرگذار است.

جدول آزمون همبستگی اسپیرمن بین سطح سواد شهروندان و نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی

مقدار	آماره‌های آزمون
-۰/۳۴۳	ضریب همبستگی
۰/۰۰۵	سطح معنی‌داری

همان‌طور که نتایج جدول آزمون همبستگی اسپیرمن بین سطح سواد شهروندان و نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی، نشان می‌دهد، ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر مورد مطالعه در کل نمونه مورد مطالعه معادل ۰/۳۴۳ و سطح معنی‌داری آزمون همبستگی اسپیرمن از عدد ۰/۰۵ کمتر شده است بنابراین بر اساس قاعده آزمون همبستگی اسپیرمن فرض صفر را رد می‌کنیم، یعنی رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین سطح سواد شهروندان و نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی وجود دارد. چون مقدار ضریب همبستگی منفی است در نتیجه بین سطح سواد شهروندان و نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی رابطه معکوسی وجود دارد.

فرضیه ۲- نوع قومیت شهروندان بر نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی اثرگذار است.

جدول آزمون همبستگی اسپیرمن بین نوع قومیت شهروندان و نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی

مقدار	آماره‌های آزمون
۰/۴۱۶	ضریب همبستگی
۰/۰۰۵	سطح معنی‌داری

همان‌طور که نتایج جدول آزمون همبستگی اسپیرمن بین نوع قومیت شهروندان و نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی نشان می‌دهد، ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو

متغیر مورد مطالعه در کل نمونه مورد مطالعه معادل ۰/۴۱۶ و سطح معنی‌داری آزمون همبستگی اسپیرمن از عدد ۰/۰۵ کمتر شده است بنابراین بر اساس قاعده آزمون همبستگی اسپیرمن فرض صفر را رد می‌کنیم، یعنی رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین نوع قومیت شهروندان و نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی وجود دارد. چون مقدار ضریب همبستگی مثبت است در نتیجه بین نوع قومیت شهروندان و نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی رابطه مستقیمی وجود دارد.

فرضیه ۳- نوع مذهب شهروندان بر نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی اثرگذار است.

جدول آزمون همبستگی اسپیرمن بین نوع مذهب شهروندان و نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی

آماره‌های آزمون	مقدار
ضریب همبستگی	۰/۴۹۳
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۵

همان‌طور که نتایج جدول آزمون همبستگی اسپیرمن بین نوع مذهب شهروندان و نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی نشان می‌دهد، ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر مورد مطالعه در کل نمونه مورد مطالعه معادل ۰/۴۹۳ و سطح معنی‌داری آزمون همبستگی اسپیرمن از عدد ۰/۰۵ کمتر شده است لذا مطابق قاعده آزمون همبستگی اسپیرمن فرض صفر را رد می‌کنیم، یعنی رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین نوع مذهب شهروندان و نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی وجود دارد. چون مقدار ضریب همبستگی مثبت است در نتیجه بین نوع مذهب شهروندان و نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی رابطه مستقیمی وجود دارد.

فرضیه ۴- وضعیت اقتصادی بر نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانی اثرگذار است.

جدول آزمون همبستگی اسپیرمن بین وضعیت اقتصادی بر نگرش شهروندان نسبت به مهاجران

افغانی

آماره‌های آزمون	مقدار
ضریب همبستگی	-۰/۴۷۸
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۱

همان‌طور که نتایج جدول آزمون همبستگی اسپیرمن بین وضعیت اقتصادی بر نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانی نشان می‌دهد، ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر مورد مطالعه در کل نمونه مورد مطالعه معادل $-0/478$ و سطح معنی‌داری آزمون همبستگی اسپیرمن از عدد $0/05$ کمتر شده است؛ بنابراین بر اساس قاعده آزمون همبستگی اسپیرمن فرض صفر را رد می‌کنیم، یعنی رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین وضعیت اقتصادی و نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانی وجود دارد. چون مقدار ضریب همبستگی منفی است. در نتیجه بین وضعیت اقتصادی و نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانی رابطه معکوسی وجود دارد.

فرضیه ۵- احساس امنیت بر نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانی اثرگذار است.

جدول آزمون همبستگی اسپیرمن بین احساس امنیت و نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانی

مقدار	آماره‌های آزمون
$-0/463$	ضریب همبستگی
$0/001$	سطح معنی‌داری

همان‌طور که نتایج جدول آزمون همبستگی اسپیرمن بین احساس امنیت و نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانی نشان می‌دهد،

ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر مورد مطالعه در کل نمونه مورد مطالعه معادل $0/463$ و سطح معنی‌داری آزمون همبستگی اسپیرمن از عدد $0/05$ کمتر شده است؛ بنابراین بر اساس قاعده آزمون همبستگی اسپیرمن فرض صفر را رد می‌کنیم، یعنی رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین احساس امنیت و نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانی وجود دارد. چون مقدار ضریب همبستگی منفی است در نتیجه بین احساس امنیت و نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانی رابطه معکوسی وجود دارد.

بررسی رگرسیون خطی چندگانه

جدول R چندگانه

خطای استاندارد برآورد شده	ضریب تعیین تعدیل یافته	ضریب تعیین	ضریب همبستگی خطی
$7/012$	$0/535$	$0/556$	$0/746$

در جدول فوق برای رگرسیون برازش شده، مقدار ضریب همبستگی خطی برابر با ۰/۷۴۶ است که نشان‌دهنده همبستگی مناسبی بین مجموعه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته است در ادامه مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (۰/۵۳۵) که نشان‌دهنده این است که ۵۴ درصد از کل تغییرات واریانس متغیر نگرش وابسته به متغیرهای مستقل است.

جدول تحلیل واریانس (ANOVA)

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۸۷۶۰/۷۰۲	۸	۱۰۹۵/۰۸۷	۵۸/۸۰۹	۰/۰۰۱
باقیمانده‌ها	۶۹۸۳/۱۹۲	۳۷۵	۱۸/۶۲۱		
کل	۱۵۷۴۳/۸۹۳	۳۸۳			

در جدول فوق با توجه به مقدار آماره F یا فیشر و مقدار سطح معنی‌داری این آزمون به بررسی معنادار بودن رگرسیون چندگانه پرداخته می‌شود، با توجه به اینکه مقدار سطح معنی‌داری این آزمون کمتر از ۵ درصد است در نتیجه فرض معنادار بودن مدل رگرسیون برازش شده رد نمی‌شود یعنی مدل رگرسیون خطی چندگانه مناسب است.

آزمون معنادار بودن ضرایب رگرسیون

ضرایب استاندارد و غیراستاندارد برای متغیرهای مستقل در مدل رگرسیون

سطح معنی‌داری	مقدار t	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد نشده		مدل
		ضرایب استاندارد شده	خطای استاندارد	برآورد ضریب	
۰/۰۰۱	۲۷/۳۴۴	-	۱/۹۹۵	۵۴/۵۴۰	مقدار ثابت
۰/۰۰۵	-۳/۷۰۵	-۰/۲۸۷	۰/۳۱۱	-۱/۱۵۴	سطح سواد
۰/۰۰۱	۴/۵۸۷	۰/۳۱۶	۰/۴۳۴	۱/۶۸۹	نوع قومیت
۰/۰۰۱	۳/۸۱۰	۰/۲۰۶	۰/۳۸۳	۱/۳۱۰	نوع مذهب
۰/۱۳۸	۰/۴۱۲	۰/۰۹۲	۰/۶۸۳	۰/۱۲۴	جنسیت
۰/۰۰۱	۳/۰۰۴	۰/۳۱۵	۰/۳۶۴	۱/۰۹۴	سن
۰/۰۰۵	-۲/۸۵۲	-۰/۲۷۶	۰/۳۹۰	-۱/۳۳۳	شغل
۰/۰۰۱	-۳/۶۴۵	-۰/۳۵۲	۰/۶۹۱	-۱/۸۴۶	وضعیت اقتصادی

در جدول ضرایب استاندارد و غیراستاندارد برای متغیرهای مستقل در مدل رگرسیون متغیرهایی که سطح معنی‌داری آنها کمتر از ۰/۰۵ است در مدل رگرسیونی قرار می‌گیرند. نتایج مدل رگرسیونی در این جدول نشان می‌دهد که در یک مدل رگرسیونی چندگانه نگرش بدون تأثیر متغیرهای مستقل ۵۴/۵۴۰ است. همچنین تغییر یک انحراف استاندارد در سطح سواد باعث تغییر ۱/۱۵۴ انحراف استاندارد در نگرش می‌شود. همچنین تغییر یک انحراف استاندارد در نوع قومیت باعث تغییر ۱/۶۸۹ انحراف استاندارد در نگرش می‌شود. همچنین تغییر یک انحراف استاندارد در نوع مذهب باعث تغییر ۱/۳۱۰ انحراف استاندارد در نگرش می‌شود نیز تغییر یک انحراف استاندارد در سن باعث تغییر ۱/۰۹۴ انحراف استاندارد در نگرش می‌شود. نیز تغییر یک انحراف استاندارد در شغل باعث تغییر ۱/۳۳۳ انحراف استاندارد در نگرش می‌شود و در نهایت نیز تغییر یک انحراف استاندارد در وضعیت اقتصادی باعث تغییر ۱/۸۴۶ انحراف استاندارد در نگرش می‌شود. در ادامه متغیر نوع قومیت با ضریب استاندارد (۰/۳۱۶) بیشترین تأثیر مثبت، در ادامه متغیر سن با ضریب استاندارد (۰/۳۱۵) دومین تأثیر مثبت، متغیر نوع مذهب با ضریب استاندارد (۰/۲۰۶) سومین تأثیر مثبت، متغیر وضعیت اقتصادی با ضریب استاندارد (۰/۳۵۲-) بیشترین تأثیر منفی، در ادامه متغیر سطح سواد با ضریب استاندارد (۰/۲۸۷-) دومین تأثیر منفی، متغیر شغل با ضریب استاندارد (۰/۲۷۶-) سومین تأثیر منفی، بر متغیر نگرش را دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام مطالعه حاضر، شناخت مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش شهروندان شیراز، نسبت به مهاجران افغانستانی است. در بررسی رابطه بین سطح سواد شهروندان با نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی نشان داده شده که رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین سطح سواد شهروندان با نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی وجود دارد. چون مقدار ضریب همبستگی منفی است در نتیجه بین سطح سواد شهروندان و نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی رابطه معکوسی وجود دارد. همچنین نتایج جدول رگرسیون نشان‌دهنده تأثیر منفی متغیر سطح سواد بر متغیر نگرش است. این یافته‌ها هم سو است با نتایج تحقیقات شاطریان و همکاران (۱۳۹۵: ۱۴۳ - ۱۶۵)،

هاینومولر و هاپکینز (۲۰۱۴: ۱۹-۴۸)، ورکوتن و همکاران (۲۰۱۷: ۸۷۹-۸۶۶)، همچنین این یافته‌ها ناهم‌سو است با نتایج تحقیق وثوقی و محسنی (۱۳۹۵: ۴-۱۸). در خصوص تأثیر سطح سواد شهروندان ایرانی بر نگرش آنها نسبت به مهاجرین افغانی تحقیقات مبسوط و جامع کمی از نظر مطالعات جامعه شهری، در دسترس است. در بررسی نگرش شهروندان نسبت به مهاجران عواملی مانند سطح تحصیلات و سواد شهروندان، مد نظر برخی از محققین بوده است. به‌عنوان مثال، وثوقی و محسنی (۱۳۹۵: ۴-۱۸)، پژوهشی در این زمینه با عنوان «بررسی نگرش شهروندان مشهدی نسبت به مهاجرین خارجی مقیم مشهد» انجام دادند. آنها در پژوهش خود به روش گسترده‌ای در پی ارزیابی چگونگی نگرش شهروندان شهر مشهد، به‌عنوان مرکز جذب مهاجرین خارجی و رابطه این نگرش با متغیرهایی همچون سطح سواد، بودند؛ اما نتایج ناهم‌سو با یافته‌های این مطالعه نشان داد که متغیر سطح تحصیلات پاسخگویان با سطح نگرش‌شان نسبت به مهاجرین خارجی رابطه معنی‌داری ندارد. مایدا (۲۰۰۶: ۵۳۰-۵۱۰)، نیز در تحقیقات خود با عنوان چه کسانی ضد مهاجر هستند، نگرش منفی افراد را نسبت به مهاجرین را سنجیدند؛ در این خصوص در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، مایدا (۲۰۰۶: ۵۳۰-۵۱۰)، تأکید بر ارتباط بین سطح تحصیلات افراد بومی و نگرش شهروندان نسبت به مهاجرین داشت. وی نشان داد که در کشورهایی که اقتصاد متنوعی دارند و تنوع کالاهای تجاری در این کشورها بیشتر از تولیدات کارخانه‌ای است، ارتقای دانش و سطح سواد شهروندان، از نظر مطالعات جامعه شهری، اثر معناداری بر نحوه نگرش شهروندان، نسبت به مهاجرین خارجی ندارد. چرا که در این کشورها تأثیر مهاجرت بر عرضه نیروی کار بسیار کم است. مایدا (۲۰۰۶: ۵۳۰-۵۱۰)، واسلوتر و شیو (۲۰۰۴: ۱۴۵-۱۳۳)، معتقدند سطح تحصیلات پایین شهروندان باعث می‌شود که شهروندان احساساتی ضد مهاجر و نگرشی منفی نسبت به مهاجرین داشته باشند. البته نگرش‌های منفی مردم ایران، از نظر مطالعات جامعه شهری، نسبت به مهاجران افغانی، بیشتر تحت تأثیر رسانه‌ها و تجربیات شخصی شهروندان است که باید به سمت اصلاح پیش رود (رضایی، ۱۴۰۲: ۱). با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر و مطالب ذکر شده می‌توان بیان کرد که رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین سطح سواد شهروندان و نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی وجود دارد.

در بررسی تأثیر نوع قومیت شهروندان بر نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی، نشان داده شده که رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین نوع قومیت شهروندان و نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی وجود دارد و چون مقدار ضریب همبستگی مثبت است، در نتیجه بین نوع قومیت شهروندان و نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی رابطه مستقیمی وجود دارد. همچنین نتایج جدول رگرسیون نشان‌دهنده بیشترین تأثیر مثبت متغیر نوع قومیت بر متغیر نگرش است. این یافته‌ها هم سو است با نتایج تحقیقات شاطریان و همکاران (۱۳۹۵: ۱۴۳-۱۶۵)، هاینومولر و هاپکینز (۲۰۱۴: ۱۹-۴۸). قومیت از نظر مطالعات جامعه شهری، یکی از ویژگی‌های بارز بسیاری از جوامع در سرتاسر جهان است. مهاجرین با کوله باری از رفتارهای قومی و ملی خویش بار سفر را می‌بندند و سرزمین خود را ترک می‌کنند و وارد کشوری می‌شوند که مردم آن کشور برای خودشان، آداب‌ورسوم بخصوصی دارند و از شخصی که وارد کشورشان می‌شود انتظار دارند که خودش را با آن‌ها هماهنگ و سازگار نماید. در پذیرش فرهنگ و قومیت جامعه میزبان به‌وسیله مهاجران از یک‌سو و میزان حفظ فرهنگ و ساختارهای قومی مهاجران از سوی دیگر، الگوها و راهبردهای مختلفی وجود دارند. چنانکه داشتن نگرشی مثبت نسبت به فرهنگ و قوم جامعه میزبان و داشتن نگرش منفی نسبت به فرهنگ قومی خود، از نظر مطالعات جامعه شهری، سبب شکل‌گیری الگوی همانندی در فرایند سازگاری اجتماعی در فرد مهاجر می‌شود؛ در این الگو گروه مهاجر به‌نوعی به بازسازی فرهنگی- قومی دست می‌زند و در راستای ارزش‌ها، آرمان‌ها و خواسته‌های فرهنگ قومی جامعه میزبان عمل می‌کند و در بعضی موارد ممکن است که مهاجرین، برای فراموشی و یا از بین بردن هویت بومی خود عمل می‌کند (پورباقری، ۱۳۹۱: ۱۱۰). از سویی دیگر داشتن نگرش مثبت نسبت به فرهنگ قومی خود، همراه با داشتن نگرش منفی نسبت به فرهنگ و اجتماع جامعه میزبان، از نظر مطالعات جامعه شهری، الگوی جدایی یا سنت‌گرایی را در فرد مهاجر شکل می‌دهد که در این الگو فرد مهاجر در جامعه میزبان، هویت قومی و سنت‌های فرهنگی خود را حفظ می‌کند و با جامعه میزبان هم ارتباط اساسی ندارد و الگوهای ارزشی و رفتاری آن را نمی‌پذیرد (بری و همکاران، ۱۹۹۲: ۱-۲۳). پژوهش‌ها و تحقیقات متعددی، در نتایج‌شان، از نظر مطالعات جامعه شهری، تأثیر نوع قومیت شهروندان بر نگرش آنها نسبت به مهاجران را نشان داده‌اند. چنانکه، رستگار خالد و ساسانی بیدگلی (۱۳۹۵) در پژوهش خود نشان داده‌اند که فرهنگ‌پذیری ملی و قومی،

سبب سازگاری فرهنگی و اجتماعی بیشتری بین جامعه میزبان و افراد مهاجر می‌شود. شاطریان و همکاران (۱۳۹۵) نیز پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه ارزش‌های فرهنگی و نگرش نسبت به مهاجران افغانستانی (مورد مطالعه: شهروندان هجده سال و بالاتر شهر کاشان)» انجام دادند. یافته‌ها حاکی از آن بود که بین ارزش‌های فرهنگی با نگرش نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. هاینومولر و هاپکینز (۲۰۱۴) در پژوهشی که با عنوان «نگرش عمومی نسبت به مهاجرت» انجام داده‌اند، نتیجه‌گیری‌هایی به دست آمده از نظر مطالعات جامعه شهری، حاکی از آن است که نگرش‌های مهاجرت به دلیل نگرانی‌های اجتماعی نژادی در مورد تأثیرات فرهنگی و قومی آن، شکل می‌گیرد. با توجه به یافته‌های پژوهش و مطالب ذکر شده می‌توان بیان کرد که رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین نوع قومیت شهروندان و نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی وجود دارد.

در بررسی رابطه بین نوع مذهب شهروندان با نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی، نشان داده شده که رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین نوع مذهب شهروندان با نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی وجود دارد. چون مقدار ضریب همبستگی مثبت است در نتیجه بین نوع مذهب شهروندان و نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی رابطه مستقیمی وجود دارد. همچنین نتایج جدول رگرسیون نشان‌دهنده تأثیر مثبت، متغیر نوع مذهب بر متغیر نگرش است. این یافته‌ها هم سو است با نتایج تحقیقات وثوقی و محسنی (۱۳۹۵)، شاطریان و همکاران (۱۳۹۵)، میچل (۲۰۲۱)، ورکوتن و همکاران (۲۰۱۷). مهاجرت بر دین‌داری و مذهب افراد تأثیر فراوانی دارد. البته، سلسله‌مراتب ارزشی فرد خود می‌تواند تأثیر فراوانی در اولویت دادن به مسائل دینی و مذهبی یا کم‌اهمیت شمردن آنها داشته باشد (محرابی شاتوری، ۱۳۹۳). داشتن نگرش و اعتقادات مذهبی عبارت است از: اعتقاد به قوای لاهوتی و ماوراء طبیعی و رعایت سلسله قواعدی اخلاقی در زمینه ارتباط با خود، با سایر بندگان و با خدا و نیز انجام مناسک عبادی. در این مطالعه، از نظر مطالعات جامعه شهری، سخن بر سر اعمالی است که پیروان یک دین بدون جهت‌گیری مذهبی آن را به‌جا می‌آورند؛ مانند نماز، روزه و حج در دین اسلام. همچنین منظور از اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی شهروندان ایران (شیعه یا سنی)، بر نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانی، انعکاس نگرش مذهبی آنها (شیعه و سنی)، نسبت به مهاجرین افغانی است. تحقیقات انجام شده در این زمینه نشان داده‌اند

که دین‌داری و پایبند بودن به فرایض دینی، مذهبی موجب خوش‌بینی و داشتن نگرشی مثبت در زندگی می‌شود؛ بنابراین هر چقدر، مهاجرین و شهروندان در کشور میزبان به لحاظ اعتقادات مذهبی و دینی از قرابت و نزدیکی بیشتری برخوردار باشند، از نظر مطالعات جامعه شهری، نگرش مثبت و خوش‌بینی بیشتری نسبت به همدیگر خواهند داشت (سلینگمن، ۱۹۹۱). این خوش‌بینی و نگرش مثبت در بین افرادی که کمتر جهت‌گیری مذهبی (شیعه و سنی بودن) دارند، به‌طور مشهودی قابل ملاحظه است. چرا که دین‌داری نوعی احساس فراطبیعی در افراد ایجاد می‌کند که بدون تردید، تأثیر روان‌شناختی مثبتی بر نگرش فرد در پذیرش دیگران دارد (اسپیلکا و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۰-۱). وثوقی و محسنی (۱۳۹۵: ۴-۱۸)، پژوهشی با عنوان «بررسی نگرش شهروندان مشهدی نسبت به مهاجرین خارجی مقیم مشهد» انجام دادند. نتایج به‌دست‌آمده از این مطالعه نشان داد که نوع مذهب پاسخ‌گویان با نحوه نگرش آنها، نسبت به مهاجرین خارجی رابطه معنی‌داری ندارد. با توجه به یافته‌های پژوهش و مطالب ذکر شده می‌توان بیان کرد که رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین نوع مذهب شهروندان و نگرش آنها نسبت به مهاجران افغانی وجود دارد.

در بررسی رابطه بین وضعیت اقتصادی با نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانی، نشان داده شده که رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین وضعیت اقتصادی با نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانی وجود دارد. چون مقدار ضریب همبستگی منفی است، در نتیجه بین وضعیت اقتصادی و نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانی رابطه معکوسی وجود دارد. همچنین نتایج جدول رگرسیون نشان‌دهنده تأثیر منفی وضعیت اقتصادی بر متغیر نگرش است. این یافته‌ها هم سو است با نتایج تحقیقات شاطریان و همکاران (۱۳۹۵: ۱۴۳-۱۶۵)، وثوقی و محسنی (۱۳۹۵: ۴-۱۸)، لطفی و ندافی (۱۳۹۵: ۱-۱۳)، مایدا (۲۰۰۶: ۵۱۰-۵۳۰). مهم‌ترین پیامد مهاجرت‌های بین‌المللی، تأثیر بر اقتصاد کشور میزبان است؛ که امروزه از نظر مطالعات جامعه شهری، به موضوع بحث‌انگیزی در میان اقتصاددانان جهان تبدیل شده است. تحقیقات انجام شده در خصوص تأثیر مهاجرین بر اقتصاد در کشورهای در حال توسعه، از نظر مطالعات جامعه شهری، حاکی از تأثیر مثبت مهاجرت بر اقتصاد کشور میزبان است. مهاجرت علاوه بر اینکه نحوه زندگی مهاجران را تغییر می‌دهد، الگوهای اشتغال و فعالیت‌های آنان را هم دگرگون می‌کند. مهاجرت عمده‌تاً دلایلی اقتصادی دارد و با هدف ورود به بازار کار،

اشتغال و کسب درآمد انجام می‌گیرد که پیامدهای گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در کشور میزبان به همراه می‌آورد؛ اما در این میان، تأثیرات اقتصادی مهاجرت از نظر مطالعات جامعه شهری، از اهمیت بخصوصی برخوردار است. مهاجران به دلیل ویژگی‌ها و شرایط بخصوصی که دارند، تأثیراتی را در اقتصاد کشور میزبان بر جای می‌گذارند. چنانکه اکثر مهاجران افرادی غیر ماهر می‌باشند و در بازار کار، بازار مسکن و همچنین برای دریافت کمک‌های ملی و همگانی با کارگران با مهارت پایین بومی در کشور میزبان رقابت می‌کنند. بیشتر مهاجران دستمزدهای کمتری می‌گیرند، ساعات بیشتری کار می‌کنند و تلاش می‌کنند با انجام کارهای سخت، درآمد بیشتری را کسب کنند و قسمت اعظم آن را هم پس‌انداز کرده یا به کشور خود ارسال می‌کنند (زنجانی، ۱۳۹۵: ۱-۲۳۴). در پژوهشی که وثوقی و محسنی (۱۳۹۵: ۴-۱۸)، در این زمینه با عنوان «بررسی نگرش شهروندان مشهدی نسبت به مهاجرین خارجی مقیم مشهد» انجام دادند. نتایج به دست آمده از این مطالعه نشان داد که نگرش پاسخ‌گویان در زمینه متغیرهای اقتصادی به سمت مثبت گرایش پیدا کرده به‌طوری که ۲۷٪ از پاسخ‌گویان در این زمینه نگرشی مثبت نسبت به مهاجرین خارجی داشتند. هاینومولر و هاپکینز (۲۰۱۴: ۴۸-۱۹)، پژوهشی با عنوان «نگرش عمومی نسبت به مهاجرت» انجام داده‌اند. نتیجه‌گیری‌هایی به دست آمده از نظر مطالعات جامعه شهری، نشان داده است که به‌طور مداوم، نگرش‌های مهاجرت شواهد کمی مبنی بر ارتباط شدید با شرایط اقتصادی شخصی نشان می‌دهد. همچنین نگرش‌های مهاجرت به دلیل نگرانی‌های اجتماعی در مورد تأثیرات اقتصادی آن بر کل کشور، شکل می‌گیرد. با توجه به یافته‌های پژوهش و مطالب ذکر شده می‌توان بیان کرد که رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین وضعیت اقتصادی و نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانی وجود دارد.

در بررسی رابطه بین احساس امنیت با نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانی، نشان داده شده که رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین احساس امنیت با نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانی وجود دارد. چون مقدار ضریب همبستگی منفی است در نتیجه بین احساس امنیت و نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانی رابطه معکوسی وجود دارد. همچنین نتایج جدول رگرسیون نشان‌دهنده تأثیر منفی نگرش بر متغیر نگرش است. این یافته‌ها هم سو است با نتایج تحقیقات کشاورز قاسمی و نادرپور (۱۳۹۷: ۲۸۹-۳۰۵)، وثوقی و محسنی (۱۳۹۵: ۴-۱۸)، شاطریان و همکاران (۱۳۹۵):

۱۴۳-۱۶۵)، لطفی و ندافی (۱۳۹۵: ۱-۱۳)، میچل (۲۰۲۱: ۱-۱۱)، ورکوتن و همکاران (۲۰۱۷: ۸۷۹-۸۶۶)، هاینومولر و هاپکینز (۲۰۱۴: ۱۹-۴۸). یکی از مباحث مهم در مورد مهاجرت اتباع بیگانه در داخل کشورمان از نظر مطالعات جامعه شهری، موضوع امنیت است. اتباع بیگانه با مهاجرت خود به کشوری دیگر دارای بازتاب‌ها و پیامدهای مختلف امنیتی می‌باشند. کشور ما نیز مهاجرین زیادی را از خارج از کشور در خود جای داده است؛ که عمده‌ترین این مهاجران خارجی، افغانی‌ها می‌باشند. (عزیزی، ۱۳۹۷: ۱۷۱-۱۹۰). آگاه بودن از نگرش‌های شهروندان در زمینه داشتن احساس امنیت نسبت به مهاجران افغانی می‌تواند دارای اهمیت زیادی باشد. کشور ایران به دلایل اقتصادی و مذهبی (داشتن عتبات عالیات، برای اهل تشیع و زیارت پیروان و عارفان صوفی و افل تسنن) همواره مقصد مهاجرت‌های فصلی و دایم اقوام افغان بوده است. ورود انبوه مهاجرین افغانی به ایران، همزمان با بروز بحران‌های سیاسی، جنگ داخلی و دیگر آشوب‌ها، بروز خشک‌سالی‌های پی‌درپی و اقتصاد درهم‌شکسته آن کشور، افزایش چشم‌گیر یافته است. این امر نشان از این دارد که مهاجرین اغلب به‌صورت آواره، پناهنده و در شرایط اضطراری و اجبار به ایران مهاجرت نموده‌اند. طبیعی است که از نظر مطالعات جامعه شهری، چنین مهاجرانی نمی‌توانند بازتاب‌های مثبتی در امنیت کشور داشته باشند (زرقانی و موسوی، ۱۳۹۱: ۷-۲۶). علی‌پور و همکاران (۱۳۹۵: ۷۹-۱۰۸)، در پژوهشی که تحت عنوان شناخت و تحلیل پیامدهای امنیتی ناشی از حضور اتباع بیگانه در ایران انجام داد، بیان می‌دارد که حضور اتباع بیگانه در جامعه ایرانی به‌عنوان یک پدیده جغرافیایی و اجتماعی دارای پیامدهای امنیتی در ابعاد مختلف است. شاطریان و همکاران (۱۳۹۵: ۱۴۸-۱۵۰)، نیز پژوهشی با عنوان «مطالعه و بررسی نگرش مردم شهر آران و بیدگل نسبت به مهاجران افغانی ساکن در قسمت‌های فرسوده شهر» انجام دادند. یافته‌های پژوهش آنها نشان داده است که اگر چه، نوعی پیش‌داوری منفی نسبت به مهاجران خارجی و بخصوص نسبت به مهاجران افغانی ساکن در قسمت‌های فرسوده شهر به دلایل امنیتی در جامعه مورد مطالعه وجود دارد؛ اما یافته‌ها نشان دادند که میزان نگرش منفی مردم شهر آران و بیدگل نسبت به مهاجران افغانی کمتر از حد متوسط است. البته با توجه به حضور بیش از سه میلیون نفر مهاجر افغانی در ایران، نمی‌توان تأثیر آنان را بر امنیت در کشور انکار کرد. با توجه به یافته‌ها و مطالب ذکر شده می‌توان گفت رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین احساس امنیت و نگرش شهروندان

نسبت به مهاجران افغانی وجود دارد؛ و چون مقدار ضریب همبستگی منفی است در نتیجه بین احساس امنیت و نگرش شهروندان نسبت به مهاجران افغانی رابطه معکوسی وجود دارد.

از آنجایی که کشور ایران به عنوان یک کشور مهاجرپذیر شناخته شده است؛ بنابراین از نظر مطالعات جامعه شهری، توجه به سایر مهاجران متأثر از شرایط و ساختار اجتماعی موجود کشور در احساس امنیت و میزان سرمایه‌های اجتماعی، می‌تواند در پذیرش مهاجران در جهت ایجاد فرصت‌ها در کشور مؤثر واقع شود؛ بنابراین سیاست‌های حمایتی و تشویقی مؤثر با اتخاذ برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت می‌تواند باعث تأثیرگذاری مثبت سرمایه‌های موجود انسانی، اجتماعی و فرهنگی آنان بر احساس امنیت و ملی محسوب شود. در همین زمینه پیشنهاداتی کاربردی و پژوهشی با توجه به یافته‌های پژوهش از سوی پژوهشگر ارائه می‌گردد؛ با توجه به محدود بودن جامعه آماری به افراد بالای ۱۸ سال ساکن در شهر شیراز انجام تحقیقات طولی از شرایط مهاجرین خارجی از نظر سن، جنس، میزان سواد، امکانات اقتصادی، آموزش، مشاغل، وضعیت مالی و فامیلی آن‌ها، قومیت، زبان، مذهب، گرایش‌های سیاسی و در جامعه آماری گسترده و در سطح کشوری پیشنهاد می‌گردد. راهبردهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی با استناد به یافته‌های فرضیه‌های تحقیق، در بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی و سطح سواد شهروندان بر نگرش نسبت به مهاجران افغانی، از نظر مطالعات جامعه شهری، برای بیشتر شدن تعاملات نمادین بین دو کشور توصیه می‌شود. فرهنگ مبارزه با تبعیض نژادی و ملیت در جهت داشتن نگرشی مثبت و پذیرش اجتماعی مهاجران، با استناد به یافته‌های فرضیه‌ها در تحقیق حاضر، در بررسی تأثیر نوع قومیت و مذهب شهروندان بر نگرش نسبت به مهاجران افغانی، به طور جدی از دوران کودکی در مدارس آموزش داده شود.

منابع

- ارشاد، فرهنگ و صدف، مینا. (۱۳۸۹)، مهاجرت، نابرابری و پیامدهای آن، مجله تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، ۲۳/۱، ۵۹-۹۲

- ایران‌دوست، کیومرث؛ بوچانی، محمدحسین؛ تولایی. (۱۳۹۳)، تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی با تأکید بر مهاجرت‌های شهری، **فصلنامه مطالعات شهری**، ۲(۶)، ۱۰۵-۱۱۸.
- بشتیر، حسن؛ کشتانی، محمدجواد. (۱۳۹۸). ارتباط میان فرهنگی افغان‌های مقیم ایران با ایرانیان بر پایه نظریه هم فرهنگی **فصلنامه مطالعات میان فرهنگی**، ۱۴(۴)، ۳۰-۹.
- پاپلی یزدی، محمدحسین؛ رجبی سناجردی، حسین. (۱۳۹۲)، **نظریه‌های شهر و پیرامون**، تهران: انتشارات سمت. (۱-۳۸۸).
- پوراحمد، احمد؛ زیاری، کرامت‌الله و زاهدی، جاوید. (۱۳۹۳)، سنجش کیفیت زندگی شهری مهاجران افغان مقیم ایران با رویکرد ذهنی (مطالعه موردی: شهر رباط کریم)، **پژوهش جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری**، ۲(۱)، ۱۵-۱.
- رستگار خالد امیر؛ سلمان‌ی بیدگلی، مسعود. (۱۳۹۵)، فرهنگ پذیری و سازگاری در میان جوانان کرد، **تحقیقات فرهنگی ایران**، ۹؛ ۴ (پیاپی ۳۶): ۱۶۵-۱۸۱.
- رضایی، بهاره. (۱۴۰۲)، فهم نگرش‌های متقابل ایرانیان و مهاجران افغانستانی به یکدیگر، گزارش یک نشست فرهنگی، **پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات** (۱)-
<https://www.ricac.ac.ir/>(۱).
- زرقانی، هادی؛ موسوی، زهرا. (۱۳۹۱)، مهاجرت بین‌المللی و امنیت ملی، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، ۱۶(۱): ۵۹، ۷-۲۶.
- زنجانی، حبیب‌اله... (۱۳۹۳)، **مهاجرت**، تهران، نشر سمت. (۱-۲۳۴).
- شاطریان، محسن؛ گنجی پور، محمود. (۱۳۹۰)، تأثیر مهاجرت افغان‌ها بر شرایط اقتصادی - اجتماعی شهر کاشان، **مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری**، ۱(۳)، ۸۳-۱۰۲.
- شاطریان، محسن؛ نظری، حامد؛ امام‌زاده علی، حسین. (۱۳۹۵)، بررسی رابطه ارزش‌های فرهنگی و نگرش نسبت به مهارت افغانستانی (مورد مطالعه شهروندان هجده سال به بالا شهر کاشان) **مجله مطالعات میان فرهنگی**، ۱۱(۲۹)، ۱۶۵-۱۴۳.
- شاطریان، محسن؛ عسگری کویری، اسما؛ فخری، فاطمه. (۱۳۹۴). مطالعه و بررسی نگرش مردم شهر آران و بیدگل نسبت به مهاجران افغانی ساکن در بافت‌های فرسوده، همایش ملی بافت‌های فرسوده و تاریخی شهری: چالش‌ها و راهکارها، کاشان، دانشگاه کاشان. (۱-۱۱).
- شیرزاد، جاوید؛ امید، اسماعیل؛ رضا علیزاده (۱۴۰۰). نگرش شهروندان استان گیلان بر مهاجرت افراد غیربومی و پیامدهای امنیتی و اجتماعی آن، **فصلنامه علمی دانش انتظامی گیلان**، ۱۰(۳۹)، ۲۹-۱.

- عباسی شوازی، محمد جلال؛ صادقی، رسول؛ محمدی، عبدالله. (۱۳۹۵). ماندن یا مهاجرت دوباره مهاجران بازگشته افغانستانی از ایران به کشورشان و عوامل تعیین‌کننده آن. **فصلنامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران**. ۱۱(۲۲)، ۴-۱۰.
- عسکری ندوشن، عباس؛ شمس قهفرخی، فریده؛ زندی، لیلا؛ رضایی، محمدرضا. (۱۳۹۸). گذری بر جریان‌های اخیر مهاجرت در استان یزد، **فصلنامه فرهنگ یزد**. ۱۱(۱)، ۱۰۴-۸۳.
- علی‌پور، عباس؛ سعادت‌ی جعفرآبادی، حسن؛ دهقانی فیروزآبادی، جلیل. (۱۳۹۶)، شناخت و تحلیل پیامدهای امنیتی ناشی از حضور اتباع بیگانه افغانی در کشور، **جغرافیایی انتظامی**، ۵(۱۸)، ۷۹-۱۰۸.
- عرفانی، محمد. (۱۳۹۷)، مهاجرت افغان‌ها؛ عوامل، فرصت‌ها و آسیب‌ها، افغانستان ما. (۱-
<http://dailyafghanistan.com>).
- عزیزی، حسین. (۱۳۹۷)، بررسی تأثیرات حضور اتباع بیگانه در امنیت کشور با تأکید بر اتباع افغانی، **نشریه جغرافیا و روابط انسانی**، ۱(۳)، ۱۹۰-۱۷۱.
- فتحی، ابراهیم؛ پویا، علیرضا؛ مقدمی، محسن. (۱۳۹۶)، بررسی رابطه میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با نگرش به جامعه در میان دانشجویان شهر قم، **پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی**، ۵(۴)، ۱۶۷-۱۳۸.
- کشاورز قاسمی، حسین؛ نادر پور، بابک. (۱۳۹۷). تبیین پیامدهای مهاجرت اتباع کشور افغانستان بر جامعه ایران (مطالعه موردی شهر قزوین)، **مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، ۸(۳-۱): ۳۱، ۲۸۹-۳۰۵.
- لطفی، حیدر؛ ندافی، کیوان. (۱۳۹۵)، بررسی اثرات اقتصادی مهاجرت افغان‌ها به شهرستان گرمسار، دومین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری. (۱۳-
(۱).
- محرابی شاتوری، محمدرضا. (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی مهاجرت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان. (۱-۱).
- <http://www.ehyaa.com>
- میرزایی، حسین. (۱۳۹۲)، انسان‌شناسی قومی- زبانی مهاجرین هزاره در ایران، **مجله پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران**، ۳(۲)، ۱۴۴-۱۲۳.
- وثوقی، منصور؛ حجتی، مجید. (۱۳۹۱)، مهاجران بین‌الملل، مشارکت‌کنندگان در توسعه زادگاهی، **مورد مطالعه شهری لار**، **مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، ۴(۲): ۱۴، ۳۰-۲۳

- وثوقی، فاطمه؛ محسنی، محمدرضا. (۱۳۹۵)، بررسی نگرش شهروندان مشهدی نسبت به مهاجرین خارجی مقیم مشهد، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۳۱(۲)، ۴-۱۸
- Berry, J. Poortinga, Y. H. Segall, M. H. & Dasen, P. R. (1992). *Cross-Cultural Psychology: Research and Applications*. New York: *Cambridge University Press*. DOI:10.1017/CBO9780511974274. (1-23).
 - Hanson, G. H., Scheve, K., & Slaughter, M. J. (2007). Public finance and individual preferences over globalization strategies. *Economics & Politics*, 19(1), 1-33.
 - Hainmueller, Jens , J. Hopkins Daniel, (2014). *Public Attitudes Toward Immigration*, [https:// www.annualreviews.org/doi/10.1146/annurev-polisci-102512-194818](https://www.annualreviews.org/doi/10.1146/annurev-polisci-102512-194818). (19-48).
 - Korol, L., Fietzer, A. W., Bevelander, P., & Pasichnyk, I. (2022). Are Immigrants Scapegoats? The Reciprocal Relationships Between Subjective Well-Being, Political Distrust, and Antiimmigrant Attitudes in Young Adulthood. *Psychological* . 126(3):1392-1415. doi: 10.1177/003329412111065951
 - Leino, M., & Himmelroos, S. (2020). How context shapes acceptance of immigrants: the link between affective social distance and locational distance. *Ethnic and Racial Studies*, 43(10), 1890-1908.
 - Mitchell, Jeffrey, (2021). Social Trust and Anti-immigrant Attitudes in Europe : *A Longitudinal Multi-Level Analysis*, [https ://www .frontiersin. org/ articles /10.338 9/fsoc.2021.604884/full](https://www.frontiersin.org/articles/10.3389/fsoc.2021.604884/full) (1-11).
 - Mayda, A.M. (2006). Who is against Immigration? A Cross-Country Investigation of Individual Attitudes toward Immigrants” in *Review of Economic and Statistics*, August, n° 88(3): 510-530.
 - Mayda, A.M. and G. Facchini (2006). “Individual Attitudes towards Immigrants: Welfare- State Determinants Across Countries”, *Working Paper N° 17-68 CESIFO*.
 - Nishida, Hiroko. (1999). A cognitive approach to intercultural communication based on schema theory, *International journal of intercultural Relations* ,Volume 23 , Issue 5, pages 753 – 777.
 - Paas, Tiit, Halapuu, Vivika (2015). Attitudes towards immigrants and the integration of ethnically diverse societies, University of Tartu, Faculty of Economics and Business Administration, *Estonia NORFACE MIGRATION Discussion Paper No. 12-23*.
 - Scheve, K. F. and M. J. Slaughter (2001). 'Labor market competition and individual preferences over immigration policy', *Review of Economics and Statistics* 83, 1, 133-145.
 - Spilka, B., Sharer, P., Kirkpatrick, L. A. (2016). A general; attribution theory for the psychology of religion. In: *Journal for the Scientific Study of Religion*. 24, 1-20.
 - Seligman, M. E. P. (1991). *Learned of optimism psychotherapy: American review of the literature*. New York : Random House. 22-26
 - Verkuyten, Maykel, , Kieran Mepham, & Mathijs Kros, (2017). Public attitudes towards support for migrants : the importance of perceived voluntary and involuntary migration, *Ethnic and Racial Studies*, Volume. 41. doi.org/10.1002/ejsp.2210. 866-879.